

ایل زرزا

یوسف مجیدزاده

زیر نظر دکتر صادق کیا استاد دانشگاه ، مشاور عالی-ورئیس اداره کل موزه‌ها و فرهنگ عامه

آنچه در این گفتار از نظر خوانندگان میگذرد خلاصه بخشی از بررسی‌هایی است که بوسیله آقای یوسف مجیدزاده در سال ۱۳۳۹ شمسی در سرزمین ایل زرزا انجام گرفته است . در آن سال ایشان از طرف اداره کل موزه‌ها و فرهنگ عامه که موظف به بررسی در تمام شئون زندگی مادی و معنوی ملت ایران است سه ماه مأموریت یافت که در رضائیه و مهاباد و اشنو و آبادیهای پیرامون آنها به بررسی علمی در زندگی مردم بپردازد . این مأموریت نخستین مأموریت علمی مشارالیه بود که باموفقیت انجام پذیرفت و گذشته از یادداشتهای فراوان توانست نمونه‌هایی هم از جامه‌های زنان و مردان و هنرهای دستی و افرارهای کار ایل زرزا را برای تکمیل موزه مردم‌شناسی تهران با خود به‌مراه بیاورد .

خان» که ۷۷ سال و ۱۸ پسر و دختر و ۳۰ نوّه پسر و دختری دارد .

ریاست ایل موروثی و ویژه یک خانواده است . هرگاه رئیس ایل بمیرد اگر مالکان و بزرگان ایل پسر بزرگ او را شایسته ریاست بدانند او را به جای پدرش برای ریاست برمی‌گزینند و گرنه یکی دیگر از پسران او و یا اگر پسر نداشته باشد یکی از برادرزاده‌ها و یا عموها و یا پسرعموهای رئیس را برای ریاست انتخاب می‌کنند .

در زمانهای پیش رئیس ایل فرمانروای مطلق بود و هر چه می‌خواست می‌کرد اگر چه اقدامات او به کشتار و ویرانی و بر باد رفتن خانواده‌ها می‌انجامید . از زمان پادشاهی اعلیحضرت فقید قدرت رئیس ایل از میان رفت و دولت و ارتش مانند جاهای دیگر کشور در آنجا نظم و حفظ و اجرای قوانین را به عهده گرفتند و از ریاست ایل فقط نام و عنوان و احترامات آن بازماند . اینک رئیس ایل بی‌موافقت دولت و ارتش به کوچکترین کاری

ایل زرزا یکی از ایلات مغرب ایران است که در اشنو یا اشنویه و آبادیهای پیرامون آن می‌نشینند . اشنو و دهات پیرامون آن بخشی از شهرستان نقده شمرده می‌شود . آب و هوای آن سرد و کوهستانی است . آب اشنو از رودخانه‌ای است بنام اشنو که از میان بازار آبادی می‌گذرد . بخش اشنو ۶۰ ده و نزدیک ۱۲۹۲۰ تن جمعیت دارد . بزرگترین آبادیهای اشنو دهات زیر است :

سنگان (به گویش زرزا «سینگان»)، نالوس ، نالیوان (به گویش زرزا «نلیوان»)، نرزیوه ، سرگر ، پوش‌آباد ، جای شیران ، گندویلا ، حسن‌نوران ، ده شمس‌بالا ، ده شمس‌پائین ، گرگ‌آباد .

مردمی که در دهات این بخش می‌نشینند همه از ایل زرزا نیستند بلکه از ایل مامش و ایل قادری نیز در آن دهات زندگی می‌کنند و ایل زرزا فقط ۳ هزار تن جمعیت دارد . اکنون رئیس ایل زرزا شخصی است بنام «حاج موسی



زنان زرزائی در حال چیدن برگ مو برای مصرف زمستان

دهنشین‌ها چنانکه یاد شد همه کشاورزان و در کار کشاورزی
زنها و مردها بایکدیگر همکاری دارند .

«کار و هنر زنهای زرزا»

زنهای ایل زرزا کاملاً مطیع شوهران خود هستند و بدون
ملاحظه و اجازه همسران خود کاری انجام نمی‌دهند و شوهرها
تأثیر دارند از آنها کار می‌کنند و به راحتی کار و وظایف زنها
سنگین‌تر از مردان است .

کارهایی که زنها انجام می‌دهند اینها است :

۱- خانه‌داری : شامل رفتن و پاک کردن خانه، تهیه غذا
و پخت نان ، (نان را معمولاً در تنوری که در میان اطاق نشین
است می‌پزند) .

۲- تهیه و نگاهداری خوراک زمستانی : شامل پاک کردن
گندم و برنج و انبار کردن آنها و چیدن برگ مو و نگاهداری
آن در درون خمره‌هایی که آب نمک در آنها ریخته شده و برای
پختن دلمه در زمستان است و در خاک کردن سیب‌زمینی برای
زمستان .

۳- پشم‌ریسی : این کار نیز ویژه زنان است و آنها از پشم
گوسفند که به گویش خودشان «خوری» و موی بز که آنرا
«مو» و پشم بره که آن را «لوا» می‌نامند نخهای پشمی درست
می‌کنند .

دست نمی‌زند .

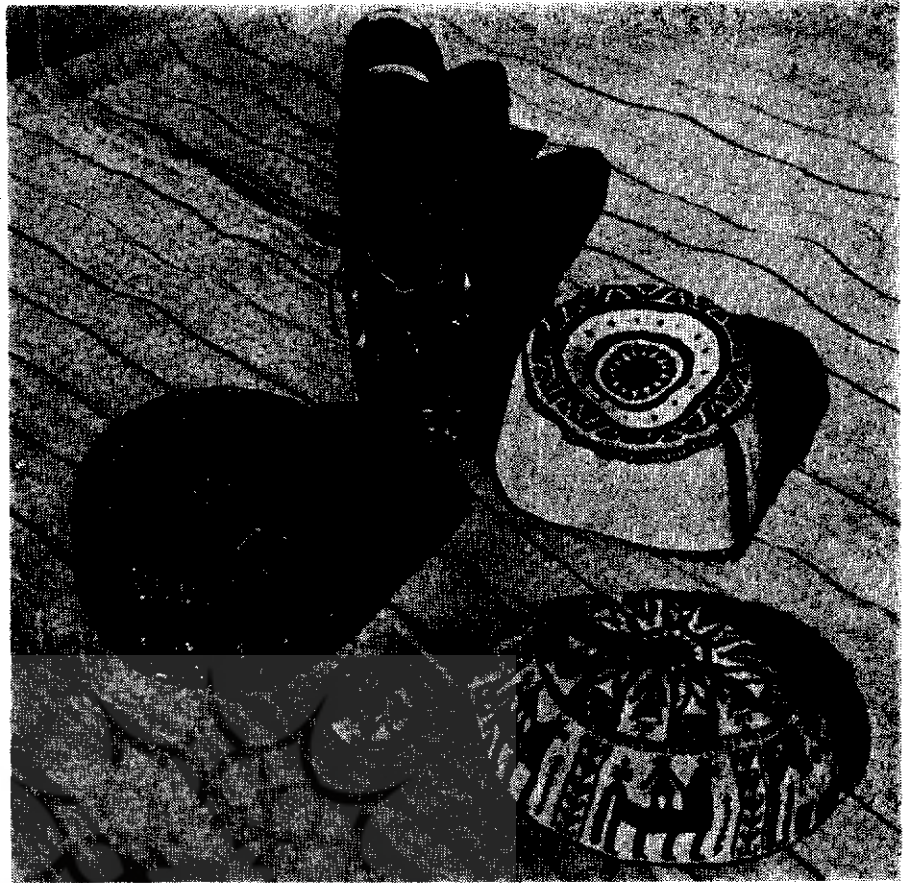
هنوز رئیس ایل اخلاقاً خود را موظف می‌داند که از افراد
ایل در گرفتاریها و کارهایی که برای آنها پیش می‌آید پشتیبانی
نماید ، مثلاً اگر خرمن کسی آتش بگیرد ، یا زبانی به کسی
برسد او خود را موظف می‌داند که به یاری آن کس بشتابد .
همچنین اگر کسی در اثر گناهی به زندان افتاد برای رهایی
تا آنجا که بتواند کوشش می‌نماید . این گونه وظایف کم نیست
و رئیس باید به هزینه خود به انجام دادن آنها بپردازد و افراد
ایل این گونه حمایت‌ها و وظایف را از او توقع دارند و می‌خواهند.
ایل زرزا به دودست شهر نشین و دهنشین بخش می‌شود .
دهنشین‌ها بیشترند و همه آنها کشاورزند . شماره شهر نشین‌ها
کمتر است و در اشنو زندگی می‌کنند و به چهار طبقه زیر بخش
می‌شوند :

۱- خرده مالکان : افراد این طبقه از خود یک باغ
میوه و گاهی هم یک تکه زمین برای کشت دارند .

۲- پیشه‌وران : این طبقه در بازار سرپوشیده شهر به
دادوستد مشغولند .

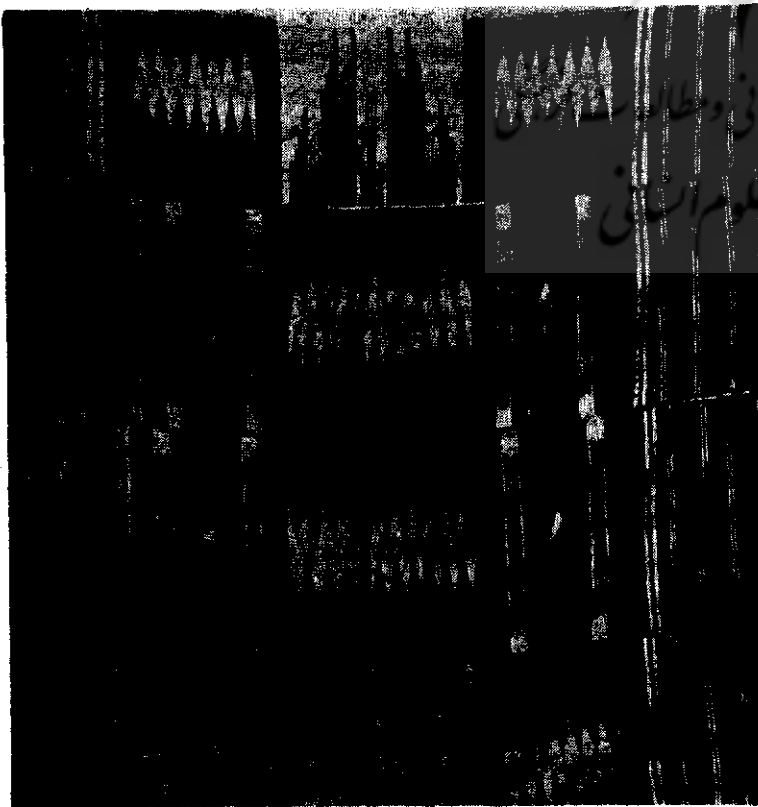
۳- روحانیان : کار این طبقه راهنمایی دینی و معنوی
مردم است و از حق زکوتی که دریافت می‌دارند زندگی می‌کنند .

۴- بزرگان : این طبقه از خود باغ و زمین ندارند
و از راه کار کردن برای خرده مالکان زندگی می‌کنند .



در این عکس دو عدد عرقچین و یک جا ساعتی با یک تاس کلا و یک کفش «کال شیرازی» و در زیر آنها یک شمد راه راه که جولاهای زرزا میافند دیده میشود

جاجیم که از دوختن چهارتخته آن بهم شکل یک جاجیم بزرگ راستگوشه میشود



۴ - درست کردن دستمال سر : دستمال سر که به گویش زرزا «شتدا» نامیده می شود پارچه ایست راست گوشه که در دو سوی دوپهنای خود ریشه دارد و آن را مردهای ایل به صورتی به سر می بندند که ریشه هایش در پیرامون سر آویزان می شود . پارچه دستمال سر را از بازار اشنو می خردند و سپس زنها با کندن پودهای دوپهنای آن و از بافتن هر چند تار آن به یکدیگر آن را ریشه دار می کنند . هر زن زرزا بایستی که دستمال سر شوهر خود را به روشی که گفتیم برای او درست کند .

۵ - کشاورزی : زنها پا به پای مردان در کشاورزی کار می کنند و همکاری آنها در توتون کاری بیشتر به چشم می خورد .

۶ - زنهای ایل زرزا از کارهای دستی به بافتن عرقچین و جا ساعتی و جوراب پشمی و مانند آن با قلاب آشنائی دارند . عرقچین را گاهی با قلاب می بافند و گاهی برای تهیه آن پارچه ای را بر می گزینند و روی آن را سوزن کاری می کنند .

پیشه و هنر مردان ایل زرزا

چنانکه در بالا یاد شد بیشتر افراد این ایل دهنشین و کشاورزند . آنها گندم و جو و توتون و سیب زمینی و برنج کشت می کنند . فعالیت کشاورزی آنها در تابستان بیش از سایر فصلهای دیگر است . در این فصل است که گندم و جو را درو می کنند و به برداشت محصول می پردازند .



يك مرد زرزا

ديگر از پيشه‌هاي مردان ايل، جولائي يعني بافندگي است. اين پيشه اكنون ويژه دو پاسبان است كه هنوز با دستگاههاي كهن و به روش پيشين با پشمهايي كه زنهای ايل مي‌ريسند بدان مشغولند.

آنچه از محصول كار آنها عرضه ميشود عبارتند از:

۱- جاجيم: اين كلفت‌ترين پارچه‌اي است كه جولاهاي زرزا مي‌بافند. پس از آنكه تخته‌هاي جاجيم بافته شد از دوختن چهار تخته آن به يكديگر جاجيم بزرگ به شكل راستگوشه درست مي‌كنند. جاجيم بيشتري براي پيچيدن رختخواب به كار مي‌رود. جاجيم ايل زرزا نقش هندسي دارد و رنگارنگ است.

۲- ورمال: بافته‌اي است دورنگي (قهوه‌اي و خاكي) و نقش آن هندسي و مانند جاجيم است و از جاجيم نرم‌تر و نازك‌تر است و به شكل راستگوشه‌اي است كه از دو تخته بهم دوخته درست مي‌شود و به اندازه‌هاي تقريبي ۱۷۵x۸۰ سانتيمتر است. هنگام نماز خواندن آنرا زير پا پهن مي‌كنند و بر آن نماز مي‌گذارند.

۳- بوزو: اين پارچه‌اي است نازك، دورنگه، راه راه (قهوه‌اي و خاكي يا سفيد و قهوه‌اي) و از آن جامه روپوش تابستاني مي‌دوزند (هم چيزي مانند كت و هم چيزي مانند شلوار كه به تن مي‌كنند).

۴- شمك: اين نازك‌ترين و لطيف‌ترين پارچه‌اي است كه جولاهاي زرزا مي‌بافند و آن بسيار پسنديده و خوش‌بافت است. رنگ آن سفيد ساده و گاهي راه راه باريكي به رنگهاي قرمز، زرد و آبي دارد.

پوشاك مردان

پوشاك مردان از هفت جزء زير تشكيل شده است:

۱- كفش: كفش مردهاي ايل زرزا از يك تكه پوست درست شده كه كف و گرداگرد روي پا را مي‌پوشاند و بقيه رويه پا را يك پارچه كلفت رنگارنگ كه به اين پوست پيوسته و برروي خود كفش بافته شده است (نه جداگانه) مي‌پوشاند. اين كفش را خود زرزاها «كال شيرازي» مي‌نامند.

۲- شلوار: شلوار مردان دربخش بالا بسيار فراخ است و خستك آن پائين افتاده است و تا ميانه ران مي‌رسد ولي از رانو به پائين رفته رفته تنگ و باريك مي‌شود. پارچه اين شلوارها نخي و بافت خود ايران است و كم‌رآن ليفه‌اي است. اين شلوار را خود زرزاها «پانتري» مي‌نامند.

۳- كت: كتي كه مردهاي ايل مي‌پوشند جلو بسته و آستين دار است و تا زير گردن دو ردیف تكمه دارد و از پائين به ميانه ران مي‌رسد ولي بخش پائين آنرا شلوار مي‌پوشاند. اين كت دوجيب هم در دوسوي سينه دارد و تقريبا شبیه كت‌هاي افسران ايران است. اين كت را خود زرزاها «كوا» مي‌نامند ولي آنرا امروز كمتر به تن مي‌كنند و كتي كه اكنون مي‌پوشند

درست مانند كت‌هاي افسران ايراني (فرنج) است.

۴- پيراهن: پيراهن مردانه زرزا «كيراس» ناميده مي‌شود و آن از چيت سفيد يا پارچه سفيد ديگري مانند چيت درست مي‌شود. اين پيراهن يقه ندارد و از جلو باز است و فقط يك تكمه در زير گردن دارد. در بقيه آن تكمه دوخته نمي‌شود و دوسر پائين آنرا روي هم مي‌گذارند و در زير شلوار جا مي‌دهند. آستين اين پيراهن بلند است و سر آن سنبوسه دارد و اين سنبوسه‌ها روي آستين كت پيچيده مي‌شود.

۵- پستاك (Pastak): چيزي است از نمك و مانند جليقه بي آستين و بي يقه و کوتاه كه تا زير كمر مي‌رسد و آن را روي كت مي‌پوشند. پستاك‌هاي زرزا در «بان» ساخته مي‌شود.

۶- شال كمر: كمر بندي است از پارچه لطيف و گلدار به درازاي تقريبا ۲۰ متر و آنرا به دور كمر مي‌پيچند. اين كمر را خود زرزاها «پشت بند» (Pesht pand) مي‌نامند.

۷- عرقچين: عرقچين مردهاي زرزا را زنهای آن ايل مي‌بافند. گرداگرد عرقچين دستمالي به سر بسته مي‌شود بنام «شگدا». «شگدا» پارچه‌اي است راستگوشه كه در دو پهنای خود ريشه دارد و اين ريشه‌ها پيرامون سر بجز صورت آويزان مي‌شود.



يك زن زرزا



يك زن ومرد زرزا

يك مرد روحاني از ايل زرزا



پوشاك زنهای زرزا

پوشاك زنهای زرزا از هشت جزء زیر تشکیل می شود :

- ۱ - كفش: كه درست مانند «كال شيرازی» مردان است.
- ۲ - شلوار : شلوار زنها از پارچه ای است لطیف و نرم و رنگارنگ درست می شود و از بالا تا پائین فراخ است و درمچ و كمر لیفه دارد كه درلیفه های آن كش می اندازند . این شلوار را «دِرپ» می نامند .

- ۳ - پیراهن : پیراهن زنهای زرزا بالاتنه بلندی دارد كه تا پائین كمر می آید و يك دامن پرچین كه تا مچ پا می رسد . آستین های پیراهن گشاد و سنپوسه دار است . دوسر سنپوسه های آستین را از پشت گره می زنند و برشانه ها می اندازند مگر هنگام رقص كردن كه سنپوسه ها آویزان است . پیراهن زنهای توانگر از مخمل گلدار و پیراهن دیگران از پارچه ابریشمی گلدار (بیشتر استن) است . این پیراهن «كیراس» نامیده می شود .

- ۴ - كت : كت زنانه از مخمل ساده دوخته می شود و آستین دار است ولی بقیه آن برگردان ندارد و جلو باز است و درپیش سینه دردوطرف از يكدیگر به فاصله ای قرار می گیرد یعنی بهم نمی چسبد . این كت را «آلخالع» می نامند و روی پیراهن می پوشند كه قسمتی ازپیش سینه پیراهن از زیر آن

بیرون و نمودار است .
 ۵ - شال کمر : مانند شال کمر مردانه است و به همان نام «بِشْت» نامیده می شود و تنها فرقی که بایکدیگر دارند این است که شال کمر مردانه در کمر محکم بسته می شود و شال زنانه شل تر از آن است و به این سبب اندکی پائین تر می افتد .
 ۶ - کلاه : کلاه زنهای زرزا مقوایی است . رویه این کلاه از مخمل ساده است (بیشتر برنگ قرمز و آلبالوئی) که پراق دوزی شده است . این کلاه را «تاس کلا» می نامند . گرداگرد آن را «هوری» (دستمال سر) می بندند . پارچه هوری در یزد و عراق بافته می شود که زمینه آن سیاه است و یک درمیان گلهای سفید و سرخ دارد . درازای هوری از ۳ متر به ۱۲ متر می رسد و پهنای آن پیرامون ۴۰ سانتیمتر است .

افزارهای کار

کشاورزان برای شخم از گاواهن که خود آنرا «دار و بار» می نامند استفاده می کنند ولی به تازگی چند تنی برای این کار تراکتور بکار می برند .
 از افزارهای کشاورزی آنچه که با افزارهای جاهای دیگر ایران که نویسنده دیده است فرق دارد داس آنها است که به گویش خود «مالاقان» می نامند . این داس دسته درازی به بلندی تقریباً یک متر و نیم دارد و دروگر بی آنکه خم شود می تواند با آن درو کند .



یک مرد زرزائی در حال کوبیدن گندم با چرخ خرمن کوب



یک گردونه حمل غله با چرخهای ویژه خود

دیگر ارابه ای است که با آن غله را از جایی به جایی دیگر می برند . فرق این گردونه با گردونه های دیگری که در جاهای دیگر برای همین کار بکار برده می شود در چرخهای آن است . زیرا چرخهای آن در اینجا پُره ندارد و فقط یک تکه چوب است که بیشتر از برش افقی تنه درخت بوجود آمده و میان آنرا سوراخ کرده اند و محور را در آن جا داده اند . این چرخ لاستیک و هیچ چیز دیگری ندارد .

دامداری

کشاورزان ایل زرزا هر یک بسته به توانائی خود چند

۷ - ریشه : بافته ای است ابریشمی و سیاه و ریشه دار که آن را با سنجاق به هوری چنان وصل می کنند که گرداگرد «تاس کلا» آویزان می شود .

۸ - روسری : پارچه ای است سه گوشه بسیار نازک و آن را پیش از پیچیدن هوری روی کلاه می گذارند . دوبر از سه بر این پارچه ریشه دار است و قاعده آن را که ریشه ندارد در جلوی سر و گوشه روبروی آنرا در پشت می اندازند سپس دو گوشه دیگر را از جلو بهم گره می زنند و پس از آنکه یک دور دو گوشه را در جهت عکس هم بدور گردن پیچیدند به پشت سر می اندازند در نتیجه هر سه گوشه آن در پشت سر می افتد . گوشه میانی که

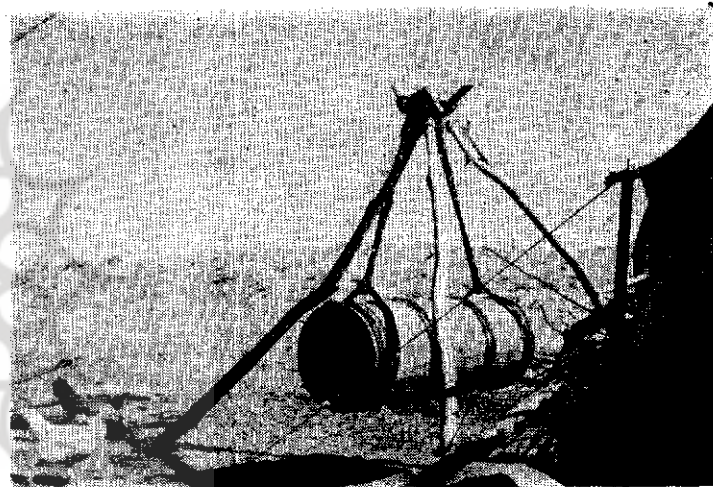
فرآورده‌های شیری آنها مانند جاهای دیگر ایران عبارت است از:

روغن، کره، سرشیر، خامه، کشک، ماست و دوغ. برای گرفتن کره نخست سه چوب بلند برمی‌دارند و در زمین فرومی‌برند و سربالائی آنها را از سوی بالا روی هم می‌گذارند تا صورت یک هرم سه پهلو پیدا کند. این سه پایه را زرزائیها «سپک» می‌نامند. آنگاه دستگاه کره‌گیری را که مانند یک بشکه چوبی است و درمیان شکم سوراخی دارد با ریسمان به آن سه پایه می‌آویزند و دوغ را برای گرفتن کره در آن می‌ریزند و آنقدر تکان می‌دهند تا کره جدا شود. این دستگاه را «نیر» می‌نامند.

سرگاو و گوسفند و بز دارند که خود به نگاهداری و پرورش آنها می‌پردازند مگر آنکه شماره دامها زیاد باشد که در این صورت چوپان می‌گیرند. چوپان در سهرسال ازدامدار خود چند خروار گندم و یک یا دو بره و مقداری روغن و گاهی هم پول نقد (برطبق قراردادی که در آغاز کار می‌بندند) دریافت می‌دارد و اینها را و بیهرفته مزدسالانه او شمرده می‌شود. چوپانها مانند کشاورزان درده زندگی می‌کنند مگر چند ماهی که دامها را برای چرا به کوهستان می‌برند و در آنجا چادر می‌زنند و در چادر زندگی می‌کنند. بردن دامها به کوهستان برای تندریست نگاهداشتن آنها است زیرا از اردیبهشت تا اواخر شهریور هوای اشنو و پیرامون آن گرم می‌شود و بیم آن می‌رود که دامها دچار گرمادگی و بیماری شوند. چوپانها در کوهستان چادر خود را



زندگی چوپانها هنگام تابستان در چادر



دستگاه کره‌گیری

داد و ستد

از آنچه گفته شد تا اندازه‌ای زندگی و پیشه‌ها و محصول ایل زرزا دانسته شد. همچنانکه در بالا یاد شد زمین از آن خرده مالکان است پس هرگونه محصول مال آنها خواهد بود و آنها هستند که به داد و ستد می‌پردازند. خرید و فروش محصول درمیان افراد خود ایل بیشتر نقدی است و کمتر پایاپای ولی بادیگران دادوستد همواره با پول انجام می‌گیرد. دلالتی هستند که از شهرهای پیرامون اشنو بویژه نقده به سرزمین ایل می‌آیند و غلات آنها را خریداری می‌کنند و با کامیون می‌برند و خریدار توتون آنجا دولت است.

در دامنه کوه در جای نسبتاً همواری که خود آن را «هوار» می‌نامند برپا می‌کنند.

چادرهای چوپانها از موی سیاه بز است که زندهای کشاورز زرزا آن را می‌بافند و آن یک پارچه راستگوشه‌ای است که دو یا سه تیر (بسته به بزرگی یا کوچکی چادر) در زیر آن می‌زنند و سپس از چهار سو با چهار ریسمان گوشه‌های آن را به چهار میخ که در زمین فرو شده می‌بندند، پیدا است که چنین چادری دیواره ندارد و این پارچه فقط بام آنرا تشکیل می‌دهد. به جای دیواره حصیر بکار می‌برند. درون چادر خنک است و چوپانها پیرامون چهارماه در آن زندگی می‌کنند.